

بسمی الناطق الظاهر العليم الحكيم

انا نحب ان نذكر و نقرأ ما انزلناه على محمد رسول الله ا لم يأن للذين آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله سبحانه الله در ليالي و ايام آيات الهی و بينات صمدانی بمتابۀ غيث هاطل از سماء اراده نازل مع ذلك كل غافل الا من اخذته يد الاقتدار و انقذته عن طين الأوهام امروز ظاهر شده آنچه که در جميع كتب قبل و بعد قلم الله كل را بآن بشارت داده و ذکر نموده آیا چه شده که آذان عباد از اصغاء ممنوع و ابصار از مشاهده محروم يد عطای ربانی در این ايام نورانی رحيق بيان و كوثر عرفان را مبذول داشته هیچ مقبلی از این فیض اعظم و عنایت كبری بی نصیب نماند یا حزب الله يوم يوم انبساط و نشاط است در یکی از الواح این کلمات عالیات از قلم اعلى نازل قلنا روز روز نشاط و انبساط است نشاط از چه از صهبای محبت الهی در این فجر روحانی طوبی از برای نفسی که خود را از كوثر بیان مقصود عالمیان مقدس نمود و باستقامت تمام بر امر مالک انام قیام فرمود قیامی که عزت اعدا و ثروت اشقیاء آن را حرکت نهد و از استقامت حقیقی باز ندارد بگو یا حزب الله يوم يوم الله است دعوا ما عند القوم و عزهم و ثروتهم و قدرتهم و فنونهم و علومهم و غنائهم ورائکم متمسکین بما اشرق و لاح و سطع و فاح من افق سماء ارادة الله رب العالمين براستی میگویم اگر نفسی فی الحقیقه لوجه الله بر تبلیغ امر قیام نماید البته در جميع اشیاء بیانش نافذ و ذکرش متصرف و ندایش محیط آنه هو المقتدر المهيم العزيز الوهاب

یا ابن ابهر عليك بهاء الله و نوره جناب اسد علیه بهائی حاضر و مکرر شما را ذکر نموده و از قیاض حقیقی طلب عنایت کرده و نامه های آن جناب را بساحت اقدس ارسال داشته هر کلمه آن گواهی داده بر توجه و استقامت و خدمت آن جناب اصلاح بعضی امورات را ذکر نمودی بطراز قبول و عزّ رضا فائز و مزین نسأل الله تبارک و تعالی ان يؤيدک على اعلاء کلمته بين الغافلين من عبادۀ انه على کلّ شیء قدير این ايام من غير ستر و حجاب و تعویق و تأخیر سفینه بیان بر بحر معانی متحرک و جاری بگو یا حزب الله توجه نمائید يوم يوم نصرت است خود را محروم نمائید سبحانه الله بعضی از نفوس معرضه غافله از اصغاء ندای الهی و مشاهده جواهر و لآلی خزائن قلم اعلى محروم و ممنوعند آیا بچه حجّت و برهان بحضرت مبشّر ایمان آورده اند و از مرسل و منزل او غافل و محجوبند امروز جميع مرسلین از فردوس اعلى و جنت علیا ندا مینمایند و میفرمایند یا ملاً الأرض خود را از وساوس نفس و هوی مطهر نمائید و قصد افق اعلى کنید امروز مکلم طور بر عرش ظهور مستوی و ندایش از جميع جهات مرتفع یا ابن ابهر بشنو ندای مظلوم را کمر خدمت را محکم کن و بذکر و ثنای حضرت مقصود مشغول باش شاید نفوس بعیده قصد قرب نمایند و گمراهان سبیل الهی را بیابند ظاهر شده آنچه که از اول ظهور ابوالبشر الی حین شبه و مثل نداشته طوبی لأذن سمعت نداء الله المهيم القيوم و لبصر رأى منظره العزيز المحبوب كتاب الله ينطق امام الوجوه یمشی و يبشر العباد الی افق لاح منه تیر عنایة ربهم الغفور قل یا ملاً المعرضین ذروا ما عندکم تالله قد اتی الموعد بسلطان مشهود به ماج بحر بیان و هاج عرف العرفان و ظهرت اسرار ما کان و ما یكون انظروا انظروا قد جرى من بیانه فرات البرهان و ظهر کنز الله العزيز المکنون لعمری لا تمنعه شبهات الذین اعرضوا عن الوجه و لا اشارات کلّ غافل محجوب اذکر من قبلی اولیائی و بشرهم بعنایتی و رحمتی الّتی سبقت الوجود من الغیب و الشهود قل أ فی الله شکّ ام فیما نزل من سحاب الاراده ام فی سلطانه الّذی احاط الجنود و الصّفوف قل آنه ما اراد الا اظهار امر الله المهيم القيوم و ارتفاع مقاماتکم یشهد بذلك من عنده علم کلّ شیء فی کتابه العزيز المخزون قل یا اولیاء الله و احبائه افرحوا بما جرت اسمائکم من لسان العظمة و

اذکارکم فی لوحه المبارک العزیز المحتوم کذلک اشرفت شمس البیان من افق سمآء البرهان فضلاً من عند اللّٰه منزل هذا الرّقّ المنشور البهآء المشرق من افق سمآء عنایتی علی اولیائی و احبّائی و علی کلّ ثابت راسخ متمسک بحبل اللّٰه العزیز الودود

ذکر بعضی که من غیر شعور نطق مینمایند نمودی باید در جواب گفته شود الحمد لله که مثل آن نفس غافلۀ ظالمۀ مفتریه مابین اهل حقّ نبوده و نیست این مقام شکر است نه شکایت بقای او از اوّل الی حین دلیل است بر نفاق و تزویر و کذبش چه اگر بصدق تکلم مینمود بمتابۀ نورین نیرین و اصفیای قبل و بعد عروج نموده بود لعمر اللّٰه بر منبر ارض صاد و حضور ابن شیخ باقر تکلم نموده بآنچه که اکباد مقرّبین و مخلصین محترق حال در شهادت و انفاق و تسلیم و رضای نفوس مطمئنۀ مقدّسه تفکر نمایند و همچنین در نفوس مفتریۀ کاذبه هر یوم مشاهده مینمایند که بچه دسائس متمسکند نزد معرض معرض و نزد مقبل مدعی ایمان لعمر اللّٰه عالم صدق و صفا را آوده نموده هر یوم بتدبیری وجود مضطرب خود را حفظ مینماید بگو ای دوستان امروز آفتاب حقیقت از افق سمآء سجن عکّا ظاهر و باهر و ناطق ما منعه ظلم الجابرة و لا سطوة الفراعنة و لا شبهات الذّین کفروا بیوم الدّین لله الحمد در آنی خود را ستر نمودیم من غیر ستر و کتمان امر اللّٰه را تبلیغ نمودیم من شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر انّ اللّٰه هو الغنیّ الحمید

این ایام فکر جدیدی بخاطر آن نفوس مجعولۀ خائنه رسیده اراده کرده‌اند کتاب اللّٰه را سرقت نمایند و محو کنند قل ویل لکم یا اعدآء اللّٰه و ظهوره و امره اتقوا و لا تكونوا من الظّالمین بیان پاری کتابیست عظیم چه که مشعر و مدلّ بظهور حقّ جلّ جلاله است فی الحقیقه انسان متحیر است نسأل اللّٰه ان یأخذهم بقهره و یمنعهم بسلطانه یا آیها الناظر الی الوجه بعینه کلمات قبل ظاهر شده بمتابۀ حزب موهوم با یکی از اصحاب مکالمه نموده‌اند انّ الموقن تمسک بالبیان طرف مقابل ذکر نمود بیان شما صحیح نیست گفت آن بیانی که خدمت شماست فأت به گفت آنهم صحیح نیست گفت بیان صحیح کجاست گفت در جزیره است مقصود معلوم حال ملاحظه کنید چه عرف مکروهی از آن کلمه منتشر است نسأل اللّٰه ان یؤیّدهم علی الرّجوع و الصّدق و یوقّهم علی الانابة لدی باب فضله انّه هو الجواد الکریم

ذکر بعضی را طلب نمودی انشاءالله کره اخری ارسال میشود اطمئنّ بفضل مولاک و کن من الفرحین